

حکام عرب تنها به هدف خیانت به امت و تفریط در قضایایش دور هم جمع می‌شوند!

(ترجمه)

نشستی در قاهره در اوایل فوریه ۲۰۲۵ برگزار شد که وزرای خارجه اردن، امارات، عربستان سعودی، قطر و مصر، به همراه دبیرکل کمیته اجرایی سازمان آزادی‌بخش فلسطین و دبیرکل اتحادیه عرب در آن حضور داشتند تا تحولات اخیر در غزه و قضیه فلسطین را بررسی کنند. این نشست پس از توافق آتش‌بس در غزه و تبادل اسراء، با میانجی‌گری مصر و قطر و حمایت آمریکا، برگزار شد.

این جلسات هیچ تغییر واقعی در مسیر قضیه فلسطین ایجاد نخواهد کرد، بلکه صرفاً برای پیشبرد سیاست‌های عادی‌سازی روابط با رژیم اشغالگر و تثبیت حضور آن در منطقه تشکیل می‌شوند.

استقبال از توافق آتش‌بس و تمجید از تلاش‌های بین‌المللی، نشان‌دهنده پذیرش ضمنی استمرار اشغال فلسطین و نادیده گرفتن این حقیقت است که تنها راه حل واقعی، آزادی کامل فلسطین است. نقش کشورهای اطراف فلسطین، به حرکت درآوردن ارتش‌ها، ریشه‌کن کردن این رژیم جعلی از بنیان و نابودی هر مانعی است که در این مسیر قرار دارد، در رأس آن، حکومت‌های مزدوری که بر سرزمین‌های ما حکم می‌رانند.

دعوت به تقویت نقش تشکیلات خودگردان فلسطین در غزه و فراخوان برای بازسازی، در حقیقت، فریبکاری برای مردم فلسطین و امت اسلامی و به معنای چشم‌پوشی از قضیه فلسطین است. این اقدامات، بقای اشغالگران را تثبیت کرده و آنان را برای قتل و ویرانی بیشتر جسورتر می‌سازد، درحالی‌که هیچ تغییری در وضعیت موجود ایجاد نمی‌کند. همچنین، دعوت به اجرای طرح دو دولتی که مورد حمایت نظام بین‌المللی است، حقوق صاحبان اصلی فلسطین را بازنمی‌گرداند، بلکه رژیم صهیونیستی را به عنوان یک دولت رسمی در سرزمین‌های اسلامی به رسمیت می‌شناسد و با پشتیبانی حکومت‌های مزدور، بقای آن را تضمین می‌کند.

این نشست‌های عربی و بین‌المللی، هرچقدر هم که تکرار شوند، نه حقوق پایمال‌شده را بازمی‌گردانند و نه سرزمین‌های اشغالی را آزاد می‌کنند، بلکه صرفاً پوششی برای پیشبرد سیاست‌های عادی‌سازی روابط با دشمن و چشم‌پوشی از حقوق مسلمین هستند و هیچ خیری از آن‌ها انتظار نمی‌رود.

بنابراین، امت اسلامی باید از خطر این توطئه‌ها آگاه شود و به‌طور جدی برای ناکام گذاشتن آن‌ها تلاش کند. این امر تنها از طریق پایبندی به اصول شرع، رد قاطعانه هرگونه عادی‌سازی روابط و سازش و تلاش برای برپایی خلافتی که عزت و کرامت را به امت بازگرداند و مقدسات را از آلودگی غرب و مزدوران‌ش پاک سازد، محقق می‌شود.

این نشست‌ها چیزی جز نمایش‌های سیاسی نیستند که هدفشان ساکت کردن ملت‌ها و القای این تصور است که تلاشی برای حل قضیه فلسطین در جریان است، در حالی که واقعیت این است که این جلسات تنها برای تثبیت وضعیت کنونی، حفظ منافع قدرت‌های بزرگ و تداوم حضور رژیم صهیونیستی و ادغام آن در منطقه برگزار می‌شوند. فراخوان برای بازسازی غزه نباید جایگزین تلاش جدی برای آزادسازی فلسطین شود. بازسازی بدون آزادی، چیزی جز تسکین موقت یک زخم خونین نیست که تنها به اشغالگران فرصت نفس کشیدن و ادامه سیاست‌های تجاوزکارانه‌شان را می‌دهد.

ما از امت اسلامی می‌خواهیم که این نشست‌ها و تصمیمات آن‌ها را قاطعانه رد کند و یک طرح واقعی اسلامی را در پیش گیرد که هدف آن، آزادسازی کامل فلسطین و نابودی رژیم اشغالگر باشد و این امر تنها از طریق برپایی خلافت اسلامی و بسیج ارتش‌های مسلمانان برای جهاد در راه الله محقق خواهد شد.

قضیه فلسطین، یک قضیه اسلامی است و آزادسازی آن یک واجب شرعی بر گردن هر مسلمان است. نباید به این مسئله از دریچه ملی‌گرایی یا مرزهای تحمیلی «سایکس-پیکو» نگریست، مرزهایی که استعمارگران ترسیم کردند تا با ایجاد رژیم صهیونیستی، سلطه خود را بر سرزمین‌های اسلامی حفظ کنند، وحدت امت را از بین ببرند و این رژیم غاصب را جایگزین خود به‌عنوان دشمن اصلی امت اسلامی سازند. بلکه سرزمین مبارک فلسطین باید از منظر اسلام و بر اساس عقیده اسلامی نگریسته شود، عقیده‌ای که تمامی سرزمین‌های اسلامی را یک امت واحد می‌داند و هرگونه تجاوز به هر بخشی از این سرزمین‌ها را، واجبت‌ترین امر پس از ایمان، یعنی دفاع و جهاد برای دفع دشمن، قرار می‌دهد. این تکلیف در درجه نخست بر عهده مردم سرزمین اشغال‌شده است، اما اگر آنان توانایی کافی برای مقابله و دفع دشمن را نداشتند و آن سرزمین به اشغال درآمد، این وظیفه به مسلمانان نزدیکتر از آن منطقه و سپس به سایر مسلمانان، یکی پس از دیگری، منتقل می‌شود تا زمانی که کفایت لازم برای مقابله حاصل شود، یا این وجوب بر تمامی امت اسلامی گسترش یابد این همان مسئولیتی است که بر گردن مصر و ارتش آن قرار دارد؛ چراکه از همه مسلمانان به فلسطین نزدیکتر، قدرتمندتر و شایسته‌تر برای این مأموریت است.

کاسانی در کتاب «دائع الصنائع» می‌گوید: اگر مسلمانان یک منطقه مرزی در برابر هجوم کفار ناتوان شوند و خطر سقوط سرزمینشان وجود داشته باشد، بر سایر مسلمانان، از نزدیکترین افراد تا دورترین، واجب است که برای یاری آن‌ها برخیزند و آنان را با نیرو، سلاح، اسب و مال پشتیبانی کنند. این یک فرض عینی بر همه مسلمانانی است که قادر به جهادند، اما این وجوب از آن‌ها ساقط نمی‌شود مگر آنکه کفایت دفاعی توسط برخی حاصل شود و تا زمانی که این کفایت محقق نشود، وجوب همچنان پابرجاست.

ای مخلصان در ارتش کنانه (مصر)! حاکمان شما، عملاً و علناً در بقای رژیم صهیونیستی شریک‌اند و این امر برای آنان عجیب نیست؛ چراکه همان‌هایی هستند که به ایجاد این رژیم جعلی در قلب امت اسلامی کمک کردند؛ اما حقیقتاً آنچه عجیب است، موضع شما، فرزندان ارتش‌های مسلمان است. چرا هنوز بر خویش‌داری اصرار دارید، در حالی که برادرانتان همچون گوسفند سر بریده می‌شوند؟ چرا همچنان به مرزهای تحمیلی «سایکس-پیکو» پایبند مانده‌اید، مرزهایی که امت واحد را تکه‌تکه و پراکنده ساخت؟ کجاست آن مفهوم اسلامی که تجاوز به یک مسلمان را، تجاوز به تمامی مسلمانان می‌داند؟

پس قید و بند بردگی حاکمان مزدور را از گردن خود بیفکنید و در کنار مخلصانی قرار بگیرید که برای اجرای اسلام مبارزه می‌کنند تا اسلام به دست شما به حاکمیت بازگردد، آنگونه که الله مقرر کرده و از شما راضی می‌شود. آن را به‌عنوان خلافت رانده‌ای بر منهج نبوت اعلام کنید و شما انصار آن باشید تا با این نظام، برای آزادسازی کامل فلسطین و تمامی سرزمین‌های اشغالی اسلام قیام کنید و شرف و افتخار انصار اسلام را نصیب خود سازید.

بار الهاء، برای این امت و حزب پیشرو آن و پروژه‌اش، انصاری را مقدر فرما که برای نابودی این رژیم‌های خائن بیعت کنند و حاکمیت امت را بار دیگر بازگردانند!

برگرفته از شماره 534 جریده الرايه
نویسنده: استاد محمود اليثي